



در گفت‌وگو با مهندس ابراهیم محمدزاده:

## نظام سرمایه‌داری خود نفوذ است

### اشاره

کلام امام را که بر زبان جاری می‌کند، بغضش می‌ترکد و اشک از دیدگانش جاری می‌شود، چنان صحیفه امام را در بغل می‌گیرد که گویی قدسیان، کتاب مقدس را در آغوش می‌گیرند. انقلاب را انقلاب پابرهنگان می‌داند و نقطه پایانش را فاصله‌گرفتن از همین قشر و فاصله‌گرفتن مسؤولان از دغدغه پابرهنگان را فاصله‌گرفتن از امام و انقلاب برمی‌شمارد و به تبع فاصله‌گرفتن از اسلام ناب، همین نگاه، کار دستش داده است و می‌دهد، آنانی که نگاهش را بر نمی‌تافتند، افراطی خواندندش و از او فاصله گرفتند؛ این فاصله‌گرفتن نه تنها او را ناراحت نکرد بلکه به وی فرصتی داد تا با رویش‌های نو انقلاب امام دم‌خور شود و برای آنان بشود مراد و مفسر صحیفه امام...

این مبارز دوران نهضت، پیشکسوت جبهه و جهاد، و فعال فرهنگی دوران ثبت نظام در دوره گنار انقلاب از مرحله بحران به مرحله آرامش، امروز جایی دارد در یکی از اتاق‌های کیهان. مهندس ابراهیم محمدزاده نامی آشنا برای همه پیروان و رهروان اسلام انقلابی است با خاطراتی ناب که حتی حضرت آقا به او توصیه کرده‌اند آن را به رشته تحریر درآورد. دوشنبه مهمان کیهان بودم و ما (حجت‌الاسلام اشکوری، حجت‌الاسلام دهشیری و ابراهیم‌زاده) با زحمتهای برادر عزیز آقای دانشگر به ساختمان کیهان وارد شدیم. کیهان نه تنها برای ما بلکه

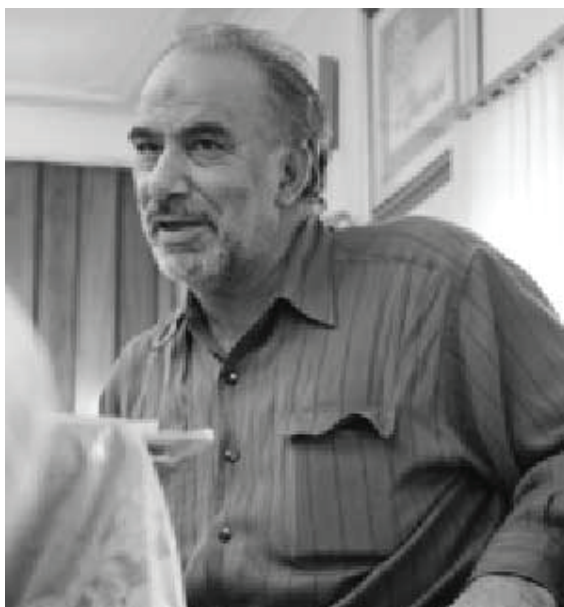
برای همه دلسوزان نظام و انقلاب جایی آشناست با آن ساختمان ساده و کارمندانی با لباس‌های ساده که هرگز با نفوذ به سادگی برخورد نکرده و هیچ فرصتی را نیز در مقابله با جریان نفوذ از دست نداده و تا به امروز هم هزینه‌های سنگینی را برای این مجاهدت دینی و ملی خود پرداخت کرده‌اند. نماز جماعت در این مؤسسه، تنها جایی است که همه را از میز کارشان جدا می‌کند و آن‌ها را گرد هم می‌آورد، آن‌جا بود که حاج حسین شریعتماری، حاج حسن شایان‌فر، آقای محمدزاده، ایمانی، و... را دیدیم. مهمان حاج حسن بودیم، حاج حسن به احترام ما نشست و پس از خوردن آبگوشتی ساده در جلسه‌ای که آن سوی میز حاج حسن شایان‌فر بود و مهندس ابراهیم محمدزاده و آقای بهمن ڈری و این طرف ما، گفت‌وگو شروع شد؛ هم حاج حسن و هم آقای ڈری مطالب کلیدی را گفتند برای جلوگیری از گفت‌وگو ما با آقای ابراهیم محمدزاده که مطالب این دو بزرگوار را گذاشتیم برای استفاده در فرصتی دیگر.

آقای محمدزاده مطالب و خاطرات نابی را گفتند و از ما خواستند جایی گفته نشود و ما به پاس امانت‌داری، بخش‌های قابل توجهی از گفت‌وگو را حذف و تنها بخشی را انتخاب کردیم که این پیر مجاهد از «نظام سرمایه‌داری» و «سرمایه‌داران زالوصفت» به خود نفوذ یاد کردند البته با همان ادبیات صمیمی و صریح ایشان.



**پویا:** موضوع ویژه‌نامه‌ی این شماره ما نفوذ و خط نفوذ است. به نظر حضرت‌تعالی به عنوان فردی مبارز در قبل از انقلاب و فعال در عرصه‌های گوناگون در دفاع از آرمان‌های امام، انقلاب و نظام، امام راحل از چه زمانی به مسأله نفوذ پی بردند و مجرای نفوذ را چه چیزی و یا چه کسانی می‌دانید؟

امام در پاریس به مسأله نفوذ فکر می‌کرده‌اند. نفوذ، ابعاد مختلف دارد. یکی مسأله سرمایه‌داری است. الان چند نفر درباره نفوذ و سرمایه‌داری صحبت کردند، بعد از این همه سال؛ ولی امام در پاریس، درباره نفوذ و



سرمایه‌داری بحث می‌کند که این‌ها چگونه با شیطان بزرگ در رابطه هستند.

یکی مسأله نفوذ است و دیگری برخورد با نفوذ و این دومی، خیلی مهم‌تر است. شما ببینید امام چقدر آقای منتظری را تحمل کرد! این خیلی عجیب است. امام چقدر بنی‌صدر و بازرگان و برخی دیگر را تحمل کرد. ما بعد از این که از دفتر سیاسی سپاه آمدیم مثل دفتر سیاسی یک بولتن محرمانه داریم برای همه ائمه جمعه و علما خیلی استقبال شد، به گونه‌ای که ائمه جمعه و علمای بلاد که انقلابی بودند، تلفن می‌کردند که چرا دو روز دیر آمده! یعنی هر ۱۵ روز یک بولتن ارائه می‌کردیم. یک مقاله در روزنامه‌ی فرانسوی یا آمریکایی پیدا کردیم که اسم آن را «بازگشت مجدد» گذاشتیم. در آن جا ثابت می‌کرد که یکی از آقایان می‌خواهد به طرف آمریکا برگردد. این برای سال ۶۳ و ۶۴ است. بعد هم این‌ها طرفدار آن آقا بودند و نمی‌توانستند ما را رد کنند. البته دنبال این بودند که ما را به نوعی طرد کنند. ما این مقاله را ترجمه و تایپ کردیم. تصور ما این بود که می‌توانیم وسط آن را منگنه کنیم و در وسط بولتن جدید قرار دهیم؛ اما این گونه نشد و ناچار شدیم ضمیمه کنیم. همیشه ابتدای بولتن می‌نوشتیم «بسم الله الرحمن الرحیم»؛ این مقاله وسط بولتن بود و ما بسم‌الله را نوشتیم و حواسمان نبود. به بیت امام هم می‌فرستادیم. این‌ها خواندند و دیدند از دستشان در رفته. گفتیم این آقا طرف آمریکاست؛ این‌ها گفتند امام می‌خواند و ناراحت می‌شود، می‌گوید چرا گفتید. ما می‌گوییم امام گفته این‌ها را بیرون انداختیم. یک نفر در بیت امام داشتند که خبرها را اول به این‌ها می‌رساند و به امام هم نزدیک بود؛ هر روز تلفن می‌کردند که آیا امام «بازگشت مجدد» را خواند؟ می‌گفت نه روی میزش هست. والله امام خواند چیزی به من نگفت، او هم آن‌جا می‌رود می‌گوید آقا این «بازگشت مجدد» را مطالعه فرمودید؟ امام فرمودند بله؛ ولی چرا اولش بسم‌الله نداشت؟ سال ۶۴. والله قسم. عیبی که گرفته بود این بود که چرا اولش بسم‌الله نداشت. علت این بسم‌الله را هم گفتیم. این هم روش شناخت نفوذ از دیدگاه امام و روش مقابله امام با نفوذ که محورش در یک جمله «آگاهی مردم» است.

**پویا:** در تبیین خط نفوذ از دیدگاه امام و خط امام چه مؤلفه‌هایی را باید در نظر گرفت؟

هر کس می‌خواهد خط امام را بفهمد، باید مقدمه کتاب عقل و چهل امام را بخواند. امام نیامده نسخه بنویسد؛ امام آمده طیب دوار بطنه، می‌گوید علی علیه‌السلام هم در نهج‌البلاغه پیغمبر(ص) را ذکر می‌کند که همه آتش‌زن‌ها با داغ کردن دواها را آماده کرده و به زور به دهانت می‌کند. اگر بخواهیم نفوذ را از دیدگاه امام به عنوان دوا ببینیم،

من از زمینه‌سازی نفوذ، بیش از خود نفوذ می‌ترسم. یعنی ما داریم به نفوذ گزک می‌دهیم. شما بدانید اگر این وضع وجود داشته باشد، نفوذ کار خودش را خواهد کرد؛ دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.



می‌گویی از کیست، نمی‌گویم. زمان بنی‌صدر در نخست‌وزیری نشسته بودیم، بزرگان هم نشسته بودند. یکی از آن بزرگان سر نهار گفت که بابا انقلاب کردیم و پیروز شدیم؛ دیگر دلیل ندارد که مردم هر روز به خیابان‌ها بریزند! مساله‌ای داشتیم در مورد بنی‌صدر بحث می‌کردیم، حق را به بنی‌صدر می‌داد؛ می‌گفت مردم در خانه‌ها بنشینند، ما کارمان را بکنیم! اشهد بالله به جان آقا و مولایمان امام زمان (عج) بی‌دین از این دنیا بروم اگر دروغ بگویم. تمام آن جلسه سکوت بود. آن‌جا فردی به نام محمدزاده گفت: آقای فلانی! امام می‌گوید هر چه داریم از مردم داریم و اگر حضور مردم نبود تا به این‌جا هم پیروز نشده بودیم. بنی‌صدر هم کار خودش را کرده بود، ما بر مبنای اندیشه امام با حضور مردم در صحنه هست که می‌توانیم در مقابل توطئه‌ها بایستیم. در آن جلسه همه ساکت شدند. متوجه هستید؟

#### پویا: چرا ساکت ماندند؟

شما سوره منافقین را بخوانید؛ سوره عجیبی است: إِذَا جَاءَكَ الْمُتَأَفِّفُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُتَأَفِّفِينَ لَكَاذِبُونَ.

من از زمینه‌سازی نفوذ، بیش از خود نفوذ می‌ترسم. یعنی ما داریم به نفوذ گزک می‌دهیم. شما بدانید اگر این وضع وجود داشته باشد، نفوذ کار خودش را خواهد کرد؛ دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. شک نکنید. به هرحال علی (ع) آمد در مقابل نفوذ قاسطین و مارقین و ناکثین ایستاد؛ ولی نتیجه به معاویه رسید.

#### پویا: خُب این زمینه نفوذ در طرف مقابل است؛ این طرف چه بکند؟ چه دقتی داشته باشد تا نفوذهای را بشناسد؟

کتاب‌های منافقین را نزد امام در نجف اشرف برده بودند. دقت کنید خیلی عجیب است. ما شخصیتی از نظر عرفانی و فقهی بالاتر از امام نداریم. منافقین آمدند کتاب را ریز نوشتند که بتوانند بیاورند. رفتند پیش آقای دعایی، آقای دعایی گریه کرده و ... امام خودش تعریف می‌کند که کتاب را برای من آوردند، دیدم ریز است. حالا فرض کنید اگر من بودم می‌گفتم احسنت! کتاب نوشته‌ای در رابطه با امام حسین (ع) اجر کم علی‌الله! من که وقت ندارم بخوانم! مرحوم امام می‌گوید من که چشم‌هایم نمی‌بیند این‌ها را بخوانم، چهل روز می‌روند در حجره آقای دعایی، این کتاب را درشت می‌کنند و امام هم همه آن را می‌خواند، بعد هم به جای احسنت گفتن، می‌گوید شما این اشکال‌ها را دارید. اولین اشکال شما این است که چرا اول جزوه شما بسم‌الله ندارد؟! بعد هم می‌گوید شما موفق نمی‌شوید و خودتان را به کشتن می‌دهید.

خیلی هست. از همه مهم و سخت‌تر شاید نفوذ در روحانیت باشد. امام می‌گوید روحانیت متعهد به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آن‌ها سر آشتی نداشته و نخواهد داشت. زمینه‌های نفوذ در سرمایه‌داری دنیا است.

#### پویا: از نظر امام یعنی روحانیت نه تنها دنبال او نمی‌رود بلکه به خون او تشنه است؟

بله! و بزرگ‌ترین انحرافی هم که دارند در انقلاب درست می‌کنند همین است.

#### پویا: بزرگ‌ترین انحراف بعد از پیامبر (ص)؟

باز هم سرمایه‌داری است.

#### پویا: نحوه برخورد پیامبر (ص) با خط نفوذ؟

بهترین برخورد پیغمبر (ص) با خط نفوذ بود. شما برخورد امام با آقای منتظری و بازارگان را ببینید. این‌جا آخر نفوذ است. چرا امام با شاه آن قدر علنی و جدی رو در رو بود؟ یک‌بار امام در زمان جوانی از طرف آقای بروجردی به ملاقات شاه می‌رود، به کاخ سعدآباد که می‌رسد، می‌گوید من با شاه کار دارم! می‌گویند هر کس که می‌خواهد به خدمت شاه برسد، باید ماشین مشکی داشته باشد. حضرت امام می‌گوید من با همین ماشین معمولی آمده‌ام، با همین ماشین هم می‌روم؛ می‌خواهی بروم نمی‌خواهی برگردم! بعد تماس می‌گیرند و می‌گویند با همین ماشین بیاید. امام در رابطه با زمان شاه آن قدر صریح بود. و در رابطه با دوران پس از آن این قدر کتوم بود. چرا؟ یک زمان حاکم هستیم، باید پیچیده باشد؛ یک زمان محکوم هستیم باید علنی باشد. مساله اصلی مردم هستند. این انقلاب را چون حاکمیت داریم، مردم باید حفظ کنند. شما می‌بینید علی علیه‌السلام ۲۵ سال خانه‌نشین است، این در محکومیت است؛ ببینید چگونه عمل می‌کند و در حاکمیت چگونه با قاسطین و مارقین و ناکثین درمی‌افتد. این مساله عجیبی است. آقا بعضی وقت‌ها یک حرف‌هایی زده‌اند که امروز نمی‌زنند.

#### پویا: و یک حرف‌هایی می‌زدند که برای ما مثلاً باید زودتر مطرح می‌شده؟

بارک الله. دوتا موضوع باید برای ما خوب جا بیفتند. یکی مساله سرمایه‌داری است که تا کجا نفوذ کرده و می‌خواهد چه کار کند و تمام حلقه‌های ارتباطش را با استکبار جهانی سفت کرده است. مساله دوم، مردم است. اگر من را بکشید و بگویید این جمله که



هاون. امام در فردای قیامت، یقه من و شما را می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ آب در هاون می‌کوبند. [در این جا اشک از دیدگان حاج آقا محمدزاده جاری می‌شود و بغض گلویش را می‌گیرد]. «بحث مبارزه و رفاه و سرمایه بحث قیام و راحت‌طلبی بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی‌شوند و تنها آن‌هایی تا آخر خط...» و الله قسم از فوت امام به برکت مقام معظم رهبری آمدیم این‌ها را بفهمیم. «بحث مبارزه و رفاه و سرمایه‌داری بحث قیام و راحت‌طلبی بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند.» کجای کار هستیم؟!

**پویا:** آیت‌الله محمد شجاعی به رحمت خدا رفت. همراه یکی از شاگردان ایشان به تهران آمده بودیم برای عیادت، در راه خاطره‌ای از ایشان نقل کرد، می‌گفت: من خدمت ایشان بودم خیلی سال‌ها پیش، پانصد هزار تومان برایش آوردند؛ آن موقع پول یک خانه بود؛ ایشان قبول نکرد. هرچه اصرار کردند ایشان قبول نکرد، بلند شد رفت. بعد من به حاج آقا گفتم: از ایشان می‌پذیرفتید! فرمودند: من نگفتم که این پول حرام است، مردم که پول حرام به ما آخوندها نمی‌دهند؛ ولی آن چیزی که کار دست آدم می‌دهد همین پول‌های حلال است.

شما وسط این گفتید، ای کاش آخر می‌گفتید. حالا من در پایان، یک چیزی از شهید مدنی می‌گویم تا بفهمیم راه چیست و چاه چیست. [حاج آقا شروع به خواندن صحیفه می‌کند:]

بحث مبارزه و رفاه و سرمایه‌داری بحث قیام و راحت‌طلبی بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی (هیچ جایی هم نگفته دنیاخواهی حرام، یادتان باشد) دو مقوله‌ای است که هرگز باهم جمع نمی‌شوند تنها آن‌هایی تا آخر خط با ما هستند که طعم فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. این هم فرمول اصلی است. اگر می‌خواهیم انقلاب را ادامه دهیم، باید بدانیم «فقر و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان انقلاب‌ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی (نمی‌گوید خط دفاع از انقلاب) دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.»

یکی از رفقای من می‌گفت ما کرمانشاه بودیم، آقای مدنی هم آن‌جا برای مدتی امام‌جمعه شده بود. یکی از پولدارها و ثروتمندان خیلی دور و بر ایشان می‌چرخید و اصرار می‌کرد که حاج آقا یک شب خانه ما بیاید. به حاج آقا گفتیم ایشان خیلی اصرار می‌کنند، شب یک شب برویم، ایشان

ببین قضیه این است. اگر بخواهیم درباره نفوذ بحث کنیم باید اول زمینه‌های نفوذ را بفهمیم.

### پویا: از امام فرمودید؛ امام راحل تا چه اندازه توانستند جلوی نفوذ را بگیرند؟

اگر امام نبود، همه این‌ها اثر داشت؛ امام آمد و همه این‌ها را به هم زد. باید این ظواهر را رها کنیم و مثل امام آن اصل قضیه را پیدا کنیم. مگر ما فتنه ۸۸ را نداشتیم؟ همان فتنه مگر دوباره به یک شکل دیگر تکرار نمی‌شود؟ در یک مساله‌ای خدمت امام بودم، گفتند «من در محضر خدا دارم با شما حرف می‌زنم»، چون می‌خواستند مساله عجیبی را بگویند. من همیشه می‌گویم امام دارد با خدا حرف می‌زند؛ ما داریم گوش می‌کنیم. من در محضر خدا دارم با شما حرف می‌زنم [با احساس تمام و در حالی که با مشت بر روی میز می‌زد]. این حرف‌های امام درست است؛ قلب ما باور نمی‌کند. به خودمان بباورانیم که امام دارد در محضر خدا حرف می‌زند و ما حاصل وراثت تمام انبیاء و اولیاء در عصر مقارن ظهور است؛ باید با این دیدگاه نگاه کنیم. در صحیفه امام دقت کنید؛

«ملت عزیز ما که مبارزین حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند» امام، محور را مردم می‌داند. من آدم بعضی کلمات را از صحبت‌های امام برداشتم، دیدم یک کلمه را از جایش برمی‌داری اصلاً موضوع عوض می‌شود. ببینید:

«ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند دریافتند» یک چیزی هنوز دارد اما «به خوبی دریافتند» یعنی عزیز ما نوکر تیم داداش من، به خوبی دریافتند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست. این جمله امام حداقل یک جلد همین‌طور حرف‌زدن دارد.

«و آن‌ها که تصور می‌کنند» تحقق آن محال است، «مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه هستند.»

این جمله امام است. خجالت بکشیم و مسائل را رها کنیم. آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و مستضعفین و محرومان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه‌اند؛ الفش را هم نخوانده‌اند؛ از مبارزه بآ آن را هم نخوانده‌اند. «و آن‌هایی که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته یا به آنان کمک می‌کنند

آب در هاون می‌کوبند.»

مثال‌ها را هم مردمی می‌گوید تا بفهمند. آن یکی الفبا، این آب در

آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و مستضعفین و محرومان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه‌اند؛ الفش را هم نخوانده‌اند؛ از مبارزه بآ آن را هم نخوانده‌اند. «و آن‌هایی که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند.»



## من یکبار به حسین شریعتمداری گفتم اگر بخواهیم اسلام ناب به معنای واقعی را از دیدگاه امام برای مستضعفان جهان روشن کنیم، بهتر از زندگی امام در جماران چیزی داریم؟! درد را فهمیدیم؛ اما دنبال دوا نیستیم. امام می گوید خدا نیاورد روزی را که مسؤولان ما در زندگی رفاه بیفتند که اگر بیفتند، انقلاب را یک شبه می فروشند.

البصر و الفؤاد کل اولئک کان ...» باید در خدمت فطرت باشد. امام روی مساله فطرت، بحث‌های عجیبی دارد. و نکته دیگر:  
«ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھب اعدائکم».

امام یک آیه را بعد از آیه «انا لله و انا الیه راجعون» بیش تر از همه در صحیفه امام به کار می گیرند؛ آن هم این آیه است:  
«قل انما اعظکم بواحدہ». در سال ۱۳۳۳ یا ۲۴ اصل این سند هم در کتابخانه وزیری یزد وجود دارد؛ «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فردی».

بعد امام توضیح می دهد که انتخاب این موعظه، انتخاب خدایی است و این موعظه هم واحد است؛ می فرماید «ان تقوموا لله» قیام کنید برای خدا؛ اگر شد دوتایی، نشد یکی ای. این موج هر زمانی به گونه ای آمده، شکل ظاهر عوض شده اما باطن عوض نشده. همان مسائلی که در زمان بازارگان بوده، من به روشنی می بینم که آقای فلانی تکرار می کند؛ همان مسائلی که در زمان بنی صدر بوده به روشنی می بینم آقای فلانی دارد تکرار می کند. اصلا هم عوض نشده. اگر اعتقاد داریم «قل انما اعظکم بواحدہ» این آیه را امام در صحیفه امام از همه آیات قرآن بیش تر به کار برده است. می گوید خواجه عبدالله انصاری برای اولین قدم سیر و سلوک و عرفان هم از همین آیه استفاده کرده: «ان تقوموا لله مثنی و فردی».

در پایان عرض کنم من نمی گویم ناامید شده ام، می گویم مشکل شده است. ولی خدا ارحم الراحمین است.

«والذین جاهدوا فینا لنهذبینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین ان تنصروا لله ینصرکم و ینتھب اعدائکم». باز هم می گویم «قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فردی». بنابراین اگر می خواهیم مساله نفوذ را حل کنیم، باید دو مساله را با خودمان حل کنیم؛ یکی سرمایه داری با این شرایطی که امام گفت روحانیت متعهد به خون سرمایه داران تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت. من خواهش می کنم حداقل مقدمه عقل و جهل امام را بخوانید. می گوید این کتابها که نوشته شده در رابطه با نسخه است، دارو نیست؛ باید دارو را پیدا کنیم و بخوریم. به نسخه نوشتن دل خوش نکنیم.

من یکبار به حسین شریعتمداری گفتم اگر بخواهیم اسلام ناب به معنای واقعی را از دیدگاه امام برای مستضعفان جهان روشن کنیم، بهتر از زندگی امام در جماران چیزی داریم؟!  
درد را فهمیدیم؛ اما دنبال دوا نیستیم. امام می گوید خدا نیاورد روزی را که مسؤولان ما در زندگی رفاه بیفتند، انقلاب را یک شبه می فروشند.

قبول کردند و آمدند. چند نفر با آقای مدنی رفتیم در خانه ایشان، در خانه را که باز کردیم، خانه به افاق پذیرایی باز شد، فرش های بسیار قیمتی انداخته بودند؛ آقای مدنی گفتند من به این خانه ها نمی روم.

### پویا: همان لحظه؟ همان لحظه.

**پویا:** نقل است شهید مدنی سوگند یاد کرده بود که وقتی پیش امام رضا(ع) می رود، از ایشان چیز مادی نخواهد. یک روز عبايش پاره شده و یک پارگی در آن بود؛ وقتی راه می رفت با دست مجاله می کرد تا کسی نبیند که بگویند این پاره است. دیگر کار به استخوانش رسیده بود؛ کنار ضریح حضرت رسیده بود اما قول داده بود چیز مالی از حضرت نخواهد. رو به ضریح کرده و فقط آن را نشان داده بود. وقتی حضرت خواسته بود برود این طور کرده بود. یعنی کشیده. امام یک جا به صراحت می فرمایند: کسانی می توانند قوم و خویش بازی نکنند که قبلا ریاضت کشیده باشند.

من از شهید مدنی بگویم؛ این آقای شمسیان که سرمقاله می نویسد. پدر ایشان میدانی بوده؛ می گفت میدانی ها را جمع کرده بودیم، آقای مدنی را تبعید کرده بودند، بلند شدیم برویم ایشان را در تبعید ببینیم، رفتیم وضع خانه و زندگی ایشان را دیدیم، در نهایت فقر بود؛ ایشان رفت بیرون، هرچه سهم امام داشتیم پول ریختیم، یک دستمال شد و وقتی ایشان آمد، گفتیم که آقا این سهم امام را خدمت شما آوردیم. ایشان گفت من جای مصرف آن را ندارم! می گفت هرچه استدلال کردیم یک ریالش را برداشت و گفت بروید یک جای دیگر بدهید.

**پویا:** پس در نتیجه گیری از فرمایشات حضرت تعالی در رابطه با نفوذ می توان گفت: سرمایه داری. و مردم. امام اول گفت مردم ما به خوبی فهمیدند. این آگاهی مردمی خیلی ارزش دارد.

هر کس بخواهد خط امام را از نظر فکری بفهمد، باید مساله فطرت را از دیدگاه امام مورد بررسی قرار دهد. خیلی مساله عجیبی است: «فایم وجهک للذین حنیفا فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون». ما خودمان را بکشیم گوشمان تمام اصوات دنیا را بشنود، کار چشم را نمی کند. «ان السمع و